

نظام فقهی و استنباطی محقق اردبیلی^۱

محمد ادیبی مهر^۲

چکیده

بررسی روش شناختی مبانی حقوقی فقیهان صاحب مکتبی چون محقق اردبیلی، تأثیر بسزایی در تبیین تکامل اجتهاد پیشرو و هم‌سو با شرایط زمان و مکان دارد. ویژگی‌های فقهی محقق اردبیلی، منشور روشی جامعی است که برخی از ابعاد آن در این مقاله با عناوین ذیل، تشریح شده‌اند: استقلال رأی و محوریت استدلال (عدم حجیت شهرت)، بازنگری و تأمل در بسیاری از ابواب فقهی، هماهنگی در احتیاط علمی و عملی، دوری از بحث‌های کم فایده و بی‌فایده، ادب و اخلاق علمی.

کلید واژه‌ها: اجماع، احتیاط علمی و عملی، حکم تکلیفی و وضعی، شبهه محصوره، شهرت فتوایی و عملی و روایی.

طرح مسأله

تحقیق حاضر، درآمدی بر مکتب فقهی محقق اردبیلی است. در اینجا از میان مسائلی که در ابعاد گوناگون این موضوع قابل طرحند، به تحلیل یک مسأله کاربردی یعنی ویژگی‌های معرفتی نظام فقهی او پرداخته شده است. فرضیه این تحقیق چنین است که اسلوب اجتهادی اردبیلی، حائز ویژگی‌های معرفتی خاصی است که با استناد به آنها می‌توان ادعا نمود، او دارای یک نظام فقهی شاخص و پویا بوده که قابل پیگیری و پیروی

۱. این مقاله گزارشی از طرح پژوهشی دانشگاه تهران به شماره ۱۵۱۰۰۱۳/۰۱/۰۱ است.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران

در زمان‌های بعد است. ضرورت تحقیق را نیاز مبرم جامعه فقهی به ترسیم مستدل عناصر مقوم و مؤثر در تفکر یک فقیه متعالی و مترقی رقم می‌زند. این بررسی‌ها می‌تواند منجر به زمینه‌سازی امکان‌الگو برداری و الهام از اسوه‌های تجدید و اصلاح فکری و فقهی و موازنه میان ضرورت‌های عصر جدید و مبانی اصیل دینی، در جهت حل بهینه مسائل مستحدث گردد.

۱- استقلال رأی و محوریت استدلال (عدم حجیت شهرت)

شهرت در لغت به معنی وضوح و ظهور است و به همین معناست آنجا که گویند: «فلان شهر سیفه» شمشیرش را آشکار کرد یا «سیف شاهر» شمشیر آشکار و بدون غلاف (نک: فیومی، ۱۲۴؛ طریحی، ۳/۳۵۷؛ ابن منظور، ۴/۴۳۱-۴۳۳). این معنا از سوی علمای اصول نیز پذیرفته شده است (نک: انصاری، ۶۶؛ نائینی، اجود التقریرات، ۲/۱۰۰). شهرت در اصطلاح علم اصول دارای انواع سه‌گانه است: الف - شهرت فتوائی که اجمالاً باتوجه به آراء اصولیان مشهور عبارتست از مشهور بودن فتوائی به یک حکم در میان فقیهان، بدون آنکه دلیل و مستند این فتوا روشن و مشخص باشد، اعم از آنکه بر طبق آن، روایتی موجود باشد یا نباشد (نک: همو، فوائد الاصول، ۳/۱۵۳؛ عراقی، ۳/۹۹؛ موسوی خویی، ۳/۴۱۳). ب - شهرت عملی که از نظر علما، مشهور بودن فتوا به حکمی در میان فقیهان با معلوم بودن مستند آنست (نک: نائینی، همان، ۴/۷۸۶؛ عراقی، ۴/۲۰۵؛ موسوی خوئی، ۱/۱۴۳). ج - شهرت روایی یعنی مشهور بودن روایتی در میان راویان و تدوین آن در کتابهای حدیثی (نک: نائینی، همان، ۴/۷۸۵؛ عراقی، ۴/۳۰۵؛ موسوی خویی، ۲/۱۴۱). مقصود از شهرت در اینجا معطوف به شهرت فتوائی است، زیرا شهرت عملی و به خصوص روایی با توجه به دسترسی به مستندی در مورد آن، کم و بیش قابل قبول است (نک: مفید، ۳۵۰؛ طوسی، ۱/۱۴۷، ۱۵۵؛ عاملی، الدرایة، ۲۶، ۲۷، ۳۳؛ اردبیلی، مجمع، ۱/۲۴۷، ۳/۸۵، ۱۸۵).

هر چند اردبیلی در مواردی مانند حکم تخلی در خلاف جهت قبله و حکم غسل میت مسلمان توسط کافر، در صورت فقدان مسلمان، شهرت عملی را نیز تضعیف کرده است (نک: مجمع، ۱/۸۹، ۱۸۰)، روش و موضع وی همچنان که می‌آید چنین است که

پیروی بی‌چون و چرا از شهرت را روا نمی‌داند (همان، ۳۶۱/۱، ۸۵/۲، ۹۱/۸). او اساس استنباط در احکام را فهم و اجتهاد خود فقیه از متون و ادله دانسته است و برداشت مشهور را، به خصوص آنجا که در مبنا موافق نباشند، حجت ندانسته و می‌گوید: «چون باید دلیلی در میان باشد و چه بسا آنچه را که به عنوان دلیل پذیرفته‌اند در نزد مجتهد، دلیل به شمار نیاید» (همان، ۲۹۶/۲). اردبیلی در مقابل علمای مشهور، با مبانی مورد پذیرش آنان در ردّ تقلید مجتهد، اظهار نظر می‌نمود. از جمله فتواهای مخالف مشهور اردبیلی، رأی به صحت عقد و ایقاع و حجیت گزارش و اعمال کودک ممیز است. وی پس از اقامه ادله خویش در مقابل مشهور، می‌گوید: «... آنچه سزاوار است، اجتهاد خود مجتهد و عمل او بر طبق آن است» (همان، ۱۴۰/۳). همچنین در برابر مشهور، نماز مطابق با واقع کسی را که احکام شکّیات را نیاموخته است، باطل نمی‌داند (همان، ۱۷۸/۳-۱۹۰).

مشهور، نماز کسی را که نه اهل اجتهاد است و نه تقلید، باطل می‌دانند، هر چند با شرایط درست و مطلوب شرع انجام شود، در حالی که اردبیلی، آن را درست می‌داند (همان، ۱۸۳/۲)، از همین روست که عاملی می‌نویسد: «این حکم از جمله مسائل معروف در میان فقیهان امامی مذهب بوده و ما مخالفی به جز اردبیلی و شاگردش صاحب مدارک، نمی‌شناسیم» (حسینی عاملی، ۳۲۵/۲). یکی از مبانی مهم اصولی وی که منجر به صدور فتاوی‌ای مذکور و امثال آن گردید، این است که جاهل را عذر و ناآگاه را اعم از جاهل به موضوع یا حکم تکلیفی یا وضعی، معذور می‌شمارد و از این رو، عمل و عبادت (از روی اتفاق) مطابق با واقع او را صحیح و مُسقط قضا و مَثاب می‌داند و اگر خلاف واقع بود، عقاب او (جاهل مقصّر) نه به جهت ترک واقع بلکه تحصیل نکردن آگاهی خواهد بود (نک: اردبیلی، همان، ۹۳/۱، ۵۲/۲، ۱۱۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۳۵۰، ۳۷۴، ۴۳۷، ۱۸۷/۳). البته اردبیلی هر قدر که با شهرت، ناهماهنگ پیش رفته، در برابر اجماع به معنای نسبتاً قابل قبول آن، انعطاف نشان داده است. وی در مورد حکم نجاست مشرکان و کافران، پس از ردّ دلایل معتقدان به نجاست آنان می‌نویسد: «حاصل آنکه اگر اجماع محقق نبود، حکم به نجاست همه اصناف کافران کتابی، مرتدان، خوارج، غالیان و ناصبیان خالی از اشکال نیست» (همان، ۳۲۲/۱). در بحث وجوب رساندن آب به

پوست زیر موی سر و صورت در غسل، هر چند نظر وی، تمایل به عدم وجوب است، اما به جهت وجود اجماع، عقب نشینی نموده و می نویسد: «اگر اجماع نبود، قول بدان (عدم وجوب)، ممکن بود» (همان، ۱/۱۳۷). در هر صورت کاملاً مشهود است که اصالت دلیل در نزد محقق، از ارکان استنباط بوده و بدان پایبند است. هر چند که همواره، گوشه چشمی به آراء بزرگان داشته و تا آنجا که امکان داشته باشد تخطی از نظرات آنان را روا نمی دارد. این نکته در بحث از احتیاط عملی بیشتر مورد کنکاش قرار می گیرد.

۲- مناقشه و تأمل در بسیاری از ابواب فقهی

از جمله ویژگی های بارز مکتب فقهی محقق اردبیلی، مناقشه های اندیشمندانه وی در بسیاری از مطالب پذیرفته شده در نزد جمهور است. این نگرش، پس از وی از سوی صاحب ریاض و به خصوص صاحب جواهر و شیخ انصاری پیگیری گشت تا آنجا که شروحنی نیز بر تأمل ها و تدبیرهای بعضی از این دانشمندان نوشته می شود. اموری که نشانگر ذهنهای روشن و پویایی است که به آسانی مجاب نمی شوند و همواره سبب باز شدن باب گفتگو و شکوفایی تفقه می گردند. البته در مقام عمل، بایستی تکلیف مقلد، براساس دلایل اجتهادی یا قواعد فقهی و اصول عملیه روشن گردد، اما در راستای تکامل راه پر فراز و نشیب اجتهاد و عرصه مباحث نظری و استدلالی، دوران میان اثبات یا ابطال مسائل و مختمه کردن پرونده آنها، چندان مطلوب به نظر نمی رسد و بازگذاشتن متواضعانه راه تدقیق و تحقیق افزونتر، مفید خواهد بود که اردبیلی به طور جدی پیگیر آن بود.

در فرع فقهی کیفیت تیمم بدل از وضو و غسل و تعداد ضربه ها، محقق اردبیلی برای اولین بار، با مشهور مخالفت نموده و یک ضربه را کافی دانسته است. صاحب جواهر می نویسد: «هیچ یک از فقها تا زمان اردبیلی و کاشانی به کفایت یک بار زدن دست بر خاک و نظیر آن، فتوا نداده اند و آن دو اولین کسانیند که باب گفتگو در آرای اصحاب فقه را گشوده و عده ای از پیروان آنان هم چون مجلسی در بحارالانوار و عاملی در مدارک الاحکام و محدث بحرانی در حدائق و فاضل هندی در ریاض المسائل (پیروان اردبیلی)، به کفایت یک بار، فتوا داده اند» (نجفی، ۲۰۷/۵).

وی یکی از نادرترین آراء فقهی را در فرع پاک یا نجس بودن شراب و مایعات مست‌کننده، مبنی بر طهارت با وجود حرمت، ارائه کرده است و در هر سه رکن این حکم، به عنوان مستند آن یعنی آیه ۹۰ مائده و اجماع و روایات، خدشه وارد نموده، می‌گوید: «دلیل بر نجاست خمر، اجماعی است که از شیخ طوسی و سیدمرتضی نقل شده... و دلیل دیگر، آیه نود سوره مائده است: انما الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون، اشراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند، پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. بدین سان رجس در نظر همه فقیهان به معنای نجس به کار رفته و در وجوب دوری از شراب، پرهیز از هر جهت منظور بوده...» [دلیل دیگر] اخبار بسیاری است که در این باب وارد شده‌اند (نک: همان، ۱/۳۰۸-۳۱۲). اردبیلی اجماع را به دلیل مخالفت شیخ صدوق و ابن ابی عقیل عمانی، مردود اعلام می‌نماید و در مورد آیه مذکور، دلالت آن را بر نجس بودن شراب کامل نمی‌داند: «رجس نه در لغت و نه در عرف عام و خاص به معنای نجس نیست و براساس کتب لغت، رجس به معنای قذر است و آن اعم از مفهوم نجس است، چون می‌توان قذر را به قذر عقلی و شرعی تقسیم نمود و در اینجا حرام بودن مصرف شراب فهمیده می‌شود. در این آیه، کلمه رجس، در انصاب و ازلام نیز به کار رفته است در حالی که هیچیک نجس نیستند. اینکه در وجوب دوری از خمر، پرهیز از هر جهت مقصود باشد تا آنجا که نجس بودن را نیز شامل شود، غیر ظاهر است... به هر حال آنچه در مورد خمر از این آیه به ذهن می‌آید، بحث نوشیدن آنست و حکم نجاست آن مسکوت است. در مورد اخبار نیز دلیل استواری بر نجس بودن خمر وجود ندارد» (همانجا). اردبیلی پس از تشکیک در دلایل اجتهادی این حکم، به تأمل در دلایل فقهاتی پرداخته و به یاری آنها درصدد اثبات طهارت شراب برآمده است: «دلیل پاکی شراب، اصل برائت و استصحاب است و نیز قاعده «کل شیء طاهر حتی تعلم انه نجس». مراد از علم در اینجا یقین است نه گمان و بسیاری از اصحاب نیز فتوا داده‌اند که گمان در نجس بودن کافی نیست، مگر آنکه دلیل شرعی وجود داشته باشد... و همچنین اخبار فراوانی در پاکی شراب، وارد شده است» (همانجا). او در جایی دیگر می‌گوید: «دلیلی محکمه پسند بر نجاست شراب ارائه نشده است» (همان، ۳۳۳). «در این آیه،

دلالت بر حرمت دست اندازی به شراب وجود دارد یعنی نوشیدن، خرید و فروش و به کار بردن آن از هر جهت، اما دلالتی بر نجس بودن آن در کار نیست. خلاصه این آیه دلیلی بر نجاست شراب نیست، بلکه در روایات نیز دلیلی نیست، چون اخبار گوناگونی در این رابطه در دست است و در مقام جمع میان آنها، شایسته است به جای آنکه اخبار مربوط به واجب نبودن شست و شوی از خمر را بر تقیه حمل کنیم، اخباری را که دلالت بر وجوب تطهیر از شراب دارند، بر استحباب حمل نماییم» (زبدۃ البیان، ۴۱، ۴۲).

در مبحث شبهه محصوره و حکم آن، مانند دو لباس یا دو ظرف آب یا دو مکان که یکی پاک و مباح و دیگری نجس و غصبی بوده و دچار اشتباه گردیده‌ایم، فتوای مشهور، وجوب اجتناب از هر دوست، ولی محقق اردبیلی، قاعدهٔ مسلم و وجوب دوری از شبههٔ محصوره را به بوتهٔ نقد و بررسی کشانده و مورد اشکال قرار داده است (نک: مجمع، ۲۸۲/۱). صاحب جواهر می‌نویسد: «ما از هیچ یک از اصحاب امامیه نشنیده‌ایم که این قاعده را مورد اشکال و تأمل قرار دهند تا آنکه مولای ما مقدس اردبیلی، در عرصهٔ فقاہت، آن را زیر سؤال برده و مورد اشکال قرار داده است، همچنان که اشکال و تأمل در معظم ابواب فقه، شیوهٔ اجتهادی اوست و جمعی از فقهای پس از او نیز در این روش، از وی پیروی نموده‌اند» (نجفی، ۲۹۸/۱). در اینجا، اولاً محقق اردبیلی، به عنوان آغازگر یک شیوهٔ خاص فقهی و گشایندهٔ باب تأمل در مسائلی که در نزد مشهور فقیهان، مسلم بوده، معرفی شده است. ثانیاً این حرکت فکری، عادت یعنی روش او تلقی گشته و ثالثاً گروهی از متأخران، از وی پیروی کرده‌اند. روشن است که این مطالب به واقع، داوری یک مجتهد فقیه‌شناس است که البته بارها، راستی و پرهیزکاری وی مورد تأکید قرار گرفته است، هر چند که خرق عادت و قدح مشهور را نیز نپسندیده است.

در مورد عدم پذیرش توبهٔ مرتد فطری که مبنای بسیاری از فقهاست (نک: محقق حلی، ۱۸۳/۴؛ مکی عاملی، ۵۱/۳؛ عاملی، ۳۳۷/۹-۳۴۴؛ نجفی، ۶۰۰/۴۱) نیز درنگ نموده و ذیل... و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فأولئک حبطت أعمالهم فی الدنيا و الآخرة و أولئک أصحاب النار هم فیها خالدون (بقره/۲۱۷)، پس از بررسی امکان مقید بدون حکم خلود مرتد در آتش، به خصوص مرگ در حال ارتداد، نظریهٔ امکان قبول توبه او را تقویت نموده است: «... مرتد اعم از فطری و غیر آن (ملی) است و

بنابراین، قول به قبول توبه مرتد فطری به این معنا که عباداتش صحیح باشد و استحقاق ورود به بهشت را یافته و خالد در عذاب نباشد، استبعادی ندارد. مقتضای عقل نیز چنین است، زیرا او در هر حال مکلف به ایمان و از پی آن، عبادات بوده و تکلیف بدون صحت اعمال عبادی و استحقاق بهشت بر خدا محال است. البته بعضی از احکام مربوط به مرتد فطری همچون قتل، که با دلیل شرعی ثابت است، منافاتی با قبول توبه او ندارد...» (ازدبیلی، زبدة البیان، ۳۰۵).

۳- هماهنگی در احتیاط علمی و عملی

مقصود از احتیاط علمی در فرهنگ فقه آنست که مفتی در مقام فتوا درک و استنباط خود را ملاک قرار داده و پیروی از فهم و نظر دیگران و تقلید از آنان را کنار بگذارد و به هر روی، معیار نظریه اجتهادی او در عرصه احکام، همان فهم و نظر خودش براساس مبانی و دلایل متقن باشد. مراد از احتیاط علمی آنست که در عین اصالت و محوریت رأی مجتهد در مقام فتوا، در حیطة عمل خود و پیروانش، به دیدگاه‌های مشهور توجه داشته باشد، تا حد امکان هماهنگ با آنان رفتار نموده و سفارش به حفظ احتیاط کند. در این رابطه یکی از شاگردان آقای بروجردی مطلب ذیل را از وی نقل می‌نماید: «مقدس اردبیلی همراه با تقوا و تقدس، در آرای فقهی و اظهار آنها دارای شجاعت علمی و حریت بوده است. فقیه در صورتی که برخلاف آنچه فهمیده فتوا دهد، خلاف تقوا و تقدس خواهد بود. مقتضای احتیاط علمی آنست که برخلاف فهم و اجتهادش نظر ندهد و احتیاط عملی نیز ایجاب می‌کند، در مقام رفتار و عمل، با مشهور مخالفت نکند.» مسأله احتیاط علمی و توجه فقیه به درک و فهم خویش، به عنوان میزان و معیار اجتهاد صحیح، به قدری حائز اهمیت است که برخی از اعلام، آن را ملاک تقوا و تدبیر مجتهد دانسته و نداشتن تغییر و دگرگونی در فتوا (که چه بسا در نتیجه تمحص و ورزیدگی درک اجتهادی وی به بار می‌آید) و بلکه یکنواختی و جمود بر یک رأی ثابت را نشانه نقصان دیانت شمرده‌اند. تستری که آراء و مبانی وی پیوسته مورد توجه شیخ انصاری بوده، این مطلب را در دو کتاب رسائل و مکاسب، به تفصیل مورد بررسی قرار داده، می‌گوید: «هرگاه در رویه فقیهی اضطراب و دگرگونی در فتوا مشاهده نکردی و بلکه در مسائل فقهی، حائز

یک رأی ثابت و واحدی بوده و اندیشه گوناگونی ارائه نکرده است، پس منشاء آن یا جمود بر اصول احکام یا کمی تألیف و مراجعه به منابع و ممارست با آنها یا ناتوانی از درک عمیق مطالب و دلائل یا نقصان در تقوا و دیانت است. اگر او همچون سایر فقها بود همانند آنان دارای دیدگاههای متنوعی می بود» (تستری، کشف القناع، ۶۰). مخالفت با جمهور، دشوار است ولی موافقت با آنان در صورت وجود دلیل برخلاف رأی آنان یا حتی در صورت نبودن دلیل، دشوارتر است. محقق در مسأله یافتن قبله برای اقامه نماز، بعد از آنکه ایستادن به جهت کعبه را برای شخص دور از مکه کافی دانسته و دقت بسیار در یافتن سمت دقیق آن را ضروری ندانسته، در مورد قول «وجهک شطر المسجد الحرام» (بقره/۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰)، می نویسد: «پس اگر ترس از مخالفت با مشهور (در مورد نماز از راه دور به جانب مسجد الحرام) نبود، به ظاهر اصطلاح «شطر^۱ المسجد الحرام» در این آیه و سنت پاک و مطهر (به خصوص در مورد شخص بی سواد و غیر مجتهد) اکتفا نموده و برای او پیروی از شخص مورد اطمینان را که قبله را می شناسد، تجویز می نمودم و با وجود این دغدغه مخالفت با جمهور فقها، نظر من همین است» (مجمع الفائدة، ۶۰/۲).

اردبیلی در مخالفت با بزرگان بی مهابا اقدام نمی کند و همواره نسبت به افکار آنان رفتار محتاطانه دارد و در پایان مباحث، با جمله «احتیاط نیکو بوده و در هر حال ترک نشود» (همانجا)، میان احتیاط علمی و عملی جمع می نماید. برای نمونه در مسأله حرمت گفتن آمین پس از حمد در نماز می نویسد: «و اما حرمت گفتن «آمین» و باطل شدن نماز با آن، رأی مشهور است...» (همان، ۲۳۴/۲). وی سپس توضیح می دهد که هیچ دلیل قابل اعتنائی برای این دیدگاه وجود ندارد و ادله آنان را به بوته نقد می گذارد و با اصل براءت و نبودن چیزی بر عهده و نیز بی قید و شرط بودن اوامر، صحت نماز و مباح بودن گفتن آمین را اثبات می نماید و با تمام این تفصیل، در پایان می گوید: «ولی احتیاط در مقام عمل و نیز وجود شهرت فتوایی، اقتضا می نماید که گفتن آمین در نماز ترک شود، همچنان که احتیاط علمی ایجاب می کند حکم به تحریم آن نیز رها شود (زیرا حکم به تحریم، از روی دلیل نیست)» (همان، ۲۳۵).

۱. شَطْر در لغت به چند معناست و در آیه به معنای جهت و ناحیه آمده است (نک: فیروزآبادی، ۵۸۴/۲).
 راغب اصفهانی، ۲۶۰؛ ابن منظور، ۱۱۷/۷.

۴- دوری از بحث‌های کم فائده و بی فائده

از دیگر ویژگی‌های فقهی اردبیلی، پرداختن به مباحث مفید و دوری از طرح مسائلی است که چندان مورد نیاز نبوده یا در اطراف آنها حق مطلب ادا شده است. این روش، بسیار مطلوب و پسندیده بوده و منجر به جلوگیری از تضييع وقت اهل علم و مطالعه می‌گردد. برای نمونه در بحث «عول و تعصیب»، می‌نویسد: «گفته‌اند که اصحاب امامیه به طور کامل بطلان عول و تعصیب را اثبات کرده‌اند که از لحاظ عقلی و نقلی، حق برخلاف اینان است. بنابراین اصلاً نیازی به طرح مطلبی در این مورد نیست. البته ما نیز اشاره‌ای به بعضی از آنها می‌کنیم تا ترتیب مجموعه کتاب از آن دو موضوع خالی نباشد» (همان، ۱۱/۵۶۰). همچنین در بحث جهاد ابتدائی، با توجه به اینکه اجرای آن را منوط به اذن امام معصوم (ع) می‌داند، صرفاً به بخشهائی از آن می‌پردازد که در زمان غیبت وی نیز ثمره‌ای داشته باشد. وی در این خصوص می‌نویسد: «بدان که بیشتر مسائل این کتاب (جهاد) که یا به شخص امام یا به اصحاب امام مرتبط می‌شود، با حضور نفس امام، عملی می‌گردد، بنابراین نیازی به دانستن و تحقیق پیرامون آنها نیست. از این رو، در این کتاب به توضیح آنها نمی‌پردازیم مگر حلّ و فصل مقدار اندکی از آنها و مسائل مربوط به زمان غیبت و اموری که فائده‌ای برای اهل جهاد داشته باشد...» (همان، ۷/۴۳۷).

اردبیلی آنجا که احساس ضرورت و نیاز نماید به استقبال پیچیده‌ترین مسائل می‌شتابد و از اطناب مفید ابائی ندارد. وی در مبحث قبله که در جای خود، حاوی دشواری‌های خاص خود بوده و در عین حال کاملاً کاربردی است، می‌نویسد: «پس بیاندیش که این مسأله از جمله مشکلات دانش فقه است و از همین روی سخن را در اطراف آن به درازا کشانیدیم» (مجمع الفائده، ۳/۶۷).

۵- ادب و اخلاق علمی

موازنه بین حکمت و علم یا تزکیه و تعلیم و تعلّم، از حیاتی‌ترین مصونیت‌های مورد نیاز انسان متمدّن است و فربهی یکی از این دو به بهای نحیف گشتن دیگری، آفتی جبران‌ناپذیر خواهد بود.

زهد و پارسائی عجیب اردبیلی در ابعاد گوناگون زندگی و به خصوص در زوایای

محیط و جامعه علمی و حتی مناظرات فقهی، آشکار و هویداست. روش اجتهاد فقهی او مشحون از نقد مشهور می نمود اما منش اخلاق علمی او حاکی از افتادگی و فروتنی بود. نجفی و وحید بهبهانی که در زمره ناقدان نافذ اردبیلی بوده اند، به این مطلب اشاره می کنند. بهبهانی پس از ایراد بر اردبیلی درباره خرده گیریهای وی در آرای مشهور می نویسد: «روش شارح^۱ (اردبیلی) چقدر پسندیده است که هرگز حکم به اشتباه و خطای اصحاب نمی کند، بلکه در نهایت می گوید که من نمی فهمم، نه آنکه آنان دچار اشتباه شده و نفهمیده اند...» (بهبهانی، ۶۳).

صاحب جواهر می نویسد: «به راستی اردبیلی در عین مخالفت با مشهور، روش پسندیده ای در پیش گرفته و در صدد بی اعتنائی به آنان نیست» (نجفی، ۲۶۷/۳۹). به عبارتی از مقدس اردبیلی در اثناء یا پایان مناقشه ها اشاره می کنیم: «این مطلبی است که دیدگاه کوتاه من بدان رسیده است» (همان، ۲۸۸/۱). «این مطلب با اشراف به آنچه که در بسط و تحقیق آن گفتیم روشن است و شاید اشتباه از من باشد» (همان، ۳۸۰/۲). «کوتاه سخن، این مطلبی است که من فهمیده ام. خداوند مرا نسبت به آنچه فهمیده ام مؤاخذه مفرما، هر چند مقصّر بوده و در واقع باطل باشد که بخشش و بزرگواریت مرا بی نیاز می گرداند» (همان، ۱۲۵/۱). «خلاصه، من پاسخ این اشکال را نفهمیدم و بر فرض ثبوت اشکال، رفعرش را با آنچه گفته اند، نمی فهمم و اشکال، همچنان باقی است» (همان، ۲۵۱/۲). «شاید در نزد مشهور دلیلی اعم از اجماع و امثال آن وجود داشته که ما ندیده ایم... و به هر حال ما نفهمیدیم و از خداوند می خواهیم که با فضل و لطفش حقیقت را بر ما آشکار فرماید» (همان، ۱۴۲/۸).

جزائری مطالب جالبی از احوالات اردبیلی همچون نحوه مباحثه او با علما ثبت نموده است. از جمله، هنگامی که بین او و ملا عبدالله شوشتری مناظره ای در می گرفت، محقق در اثنای بحث، سکوت می کرد یا می گفت: حالا به کتابها مراجعه ای داشته باشیم (تا آنجا که دیگران فکر کردند شوشتری فاتح بحث شده است)، سپس با او به خارج از نجف می رفتند و در تنهائی، مطلب را به طور مبسوط توضیح داده و قانع می نمود. ملا

۱. مجمع الفائدة والبرهان اردبیلی. شرح جامعی است بر ارشاد الاذهان علامه حلی.

عبدالله با تعجب می پرسید؛ برادر من! پس چرا در همان مجلس نگفتید؟ اردبیلی گفت، کفتگوی ما در آنجا، میان مردم بود و احتمال رقابت و عقب نماندن و غلبه بر یکدیگر و هوای نفس درکار بود ولی اکنون جز خداوند سبحان، کسی در اینجا نیست» (۴۰/۳).

عاملی در مورد جدّ خویش صاحب معالم که از شاگردان مقدس اردبیلی بوده است، می نویسد: «وی پس از مراجعت به جبل عامل، طی نامه‌ای از استاد خویش اردبیلی می خواهد تا چیزی را با دست خط مبارک خویش به عنوان یادبود بنویسد. استاد، شاگردش را اجابت فرموده و احادیثی را در صفحه‌ای نگاشته و بالای آن چنین می نویسد: «این نوشته را احمد برای مولایش نگاشت تا امرش را اطاعت کرده باشد. به امید آنکه در خلوت‌های ذکر و از پی دعا و نمازش، از این بنده، یادی کند. خداوند با منت و بزرگواریش او را به هر چه مورد حبّ و رضای ذات اقدسش باشد، موفق بدارد، به حق محمد و آلش که درود خدا بر او و فرزندانش باد» (عاملی، الدر المنثور، ۲/۲۰۲).

نتیجه

شالوده نظام معرفتی فقهی محقق اردبیلی به طور عمده، بر عناصر ذیل استوارند: استقلال رأی و عدم حجیت شهرت اجمالاً؛ استقرار و استقصای مسائل قابل مناقشه و به چالش کشیدن آنها با هدف امکان هماهنگی نوع مسائل با نیازهای جامعه؛ پایبندی به اصل احتیاط عملی همسو با احتیاط عملی و در نتیجه عدم تخطی مجتهد از مبانی و ادراکات مستدل اجتهادی خویش در مقام افتا از سوئی و در عین حال، اعتناء به دیدگاههای جمهور در مقام عمل از سویی دیگر؛ پرهیز از مباحث بی حاصل یا کم حاصل و پرداختن به مسائل مبتلابه؛ رعایت اخلاق عملی و اجتناب از خودشیفتگی و حفظ منش فروتنی. این ویژگی‌ها، مقوم عمده یک مکتب فقهی شاخص، کارآمد و مؤثر می باشند.

کتابشناسی

ابن منظور، جمال‌الدین، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، منشورات جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ق.

همو، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران، مرتضویه، ۱۳۶۲ش.

انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، چاپ سنگی، بی تا.

بهبهانی، (وحید) محمد باقر، حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۳۷۵ق.

تستری، شیخ اسدالله، قاموس الرجال، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۴۰ش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

جزائری، سید نعمت الله، الانوار النعمانية، تبریزی، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۴۱ق.

حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، مصر، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۲۴ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت، مؤسسه وفاء، ۱۴۱۰ق.

طوسی، محمد بن حسن، العدة، قم، ستاره، ۱۴۱۷ق.

عاملی، زین الدین، الدراریة فی علم مصطلح الحدیث، قم، فیروز آبادی، ۱۳۶۸ش.

همو، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، به کوشش کلانتر، بیروت، دارالعالم الاسلامی، ۱۳۸۶ق.

عاملی، شیخ علی، الدرّ المشثور، به کوشش سید احمد حسینی، قم، ۱۳۹۸ق.

عراقی، ضیاء الدین، نهاییة الافکار، به تقریر محمد تقی بروجردی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، به کوشش عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، ۱۴۰۴ق.

فیومی، احمد، المصباح المنیر، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۷م.

محقق حلی، جعفر، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، استقلال، ۱۴۰۹ق.

مفید، محمد بن نعمان، المقنعة، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق.

مکی عاملی، محمد، الدروس الشرعية فی فقه الامامية، قم، انتشارات اسلامي، بی تا.
موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفضیل طبقات الزوارة، قم، مرکز نشر
آثار الشيعة، ۱۴۰۳ق.

همو، مصباح الاصول، به تقرير محمد سرور بهبودی، قم، داوری، ۱۴۰۸ق.
نائینی، محمد حسین، اجود التقریرات، به تقرير سيد ابوالقاسم خوئی، لبنان، عرفان، ۱۹۳۳م.
همو، فوائد الاصول، به تقرير محمد علی کاظمی، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۰۶ق.
نجفی، شیخ محمد حسین، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث
العربی، ۱۹۸۱م.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی